



ادبیات کودک در سه زمان:

گذشته، حال، آینده

نویسنده: کِلِنَا اِسْلَوَان

مترجم: بهار اشراق

طبیعی است که در پایان سال، بیش تر تأمل کنیم، گذشته را زیر ذره بین ببریم و شاید بتوانیم حدس بزنیم در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد. در پایان قرن که آغاز هزاره جدید هم هست، نمی توان در برابر نیاز میرم ارزیابی جایگاه خود در گذشته، حال و آینده مقاومت کرد. ادبیات کودک، درگیری ذهنی من در برابر این تفکر تاریخی ویژه است. چگونه می توانم مقوله ای به این گستردگی را در یک مقاله خلاصه کنم؟

ناگزیر در این نقد، ادبیات کودک را به دوره های زمانی و گونه ها مختلف محدود می کنیم و برای آن ها مثال هایی می آوریم. مطلب را از آغاز تاریخ ادبیات کودک که مورخین ادبی آن را سال ۱۷۴۰ میلادی می شناسند، درست زمانی که جان نیوبری فروشنده، کتاب هایی به بازار عرضه کرد که منحصرأ برای کودکان بود، شروع نمی کنیم، بلکه از کتاب های دهه ی ۴۰ و ۵۰ قرن بیستم سخن می گویم. در این زمان، دیگر بیش تر پیام های اخلاقی و آموزنده از داستان های کودکان، محو شده بود. هم چنین در ادبیات داستانی این دوره کودکان

موجوداتی کاردان و ماجراجو نشان داده شده اند که با تجربه های روزمره درگیرند. این شخصیت های داستانی، به بزرگسالانی که دور و برشان هستند، احترام می گذارند و هر لحظه که به کمک شان نیاز باشد، آماده اند قدم پیش بگذارند. هر چند در آن زمان، فهرست کتاب های مناسب برای کودکان و نوجوانان توسط ناشران متعددی ارائه می شد، کتاب های جدید در میان آن آثار به نسبت کم دیده

از گذشته تاکنون

قصه‌ها:

داستان واقع‌گرا (رنالیستی) و فانتزی

الیزابت این برایت، یک نویسنده خوب و پرکار در زمینه داستان‌های خانوادگی است که این روزها خوانندگان فراوانی دارد. در حالی که الیزابت خانواده موفات (Moffat family) را ماندگار کرد، بوری کلیری (Beverly Cleary) داستان‌هایی آفرید که در مورد «هنری هاگینز» (Huggins) (Henry) (۱۹۵۰)، رامونا بیروزوس (Ramona Beazus) و دوستان‌شان است که در خیابان کلیکیتات پورتلند، (Klickitat Portland)، در همسایگی ایالت آرگون (Oregon) زندگی می‌کنند. قصه‌های ایالت آرگون بوری کلیری، در مورد هنری هاگینز، در سال ۱۹۵۰ انتشار یافت و «رامونای جاودانه» در سال ۱۹۸۴ منتشر شد. این‌گونه داستان‌ها، ماجراها و تغییرات زندگی آمریکاییان طبقه متوسط جامعه را در طول چهل سال گذشته شرح می‌دهد. البته در آغاز شکل‌گیری این‌گونه داستان‌ها، چیزی از مشکلات اجتماعی و شخصی در آن‌ها دیده نمی‌شد. با وجود این، چنین کتاب‌هایی نمایانگر حقیقتی درباره آمریکا بود: یک جامعه مجزا و تفکیک شده.

این داستان‌ها و دیگر داستان‌های خانوادگی آن عصر، عموماً در یک شهر کوچک و یا حومه شهر اتفاق می‌افتاد. معمولاً در این داستان‌ها، اعضای خانواده‌های متوسط به طور سنتی نقشی نداشتند و فقط پدر و مادر بودند که نقش‌های قدیمی خود را ایفا می‌کردند. پدر هر روز سر کار می‌رفت، مادر هم در آشپزخانه مشغول پوست کندن سیب، وصله زدن به لباس‌ها و شام درست

می‌شد. البته در میان آن‌ها آثار کلاسیکی هم پیدا می‌شد که چراغ امید را فروزان نگه می‌داشت. از جمله کتاب بی‌نظیر «تار شارلوت»، نوشته وایت (۱۹۵۲) که به طور نوآورانه‌ای فانتزی و رئالیسم را با هم ترکیب کرد و باعث ملال خاطر منتقدانی شد که بر این باور بودند کتاب‌ها یا باید از رئالیسم بهره بگیرند یا از فانتزی. هم‌چنین، برنده جایزه نیوبری انجمن کتابخانه آمریکا، رابرت لاونسن (Robert Lawson) فانتزی‌های نابی آفرید که ویژگی آن‌ها، حرف زدن حیوان‌ها در داستان است. احتمالاً بهترین کتابش «تپه خرگوش» (Rabbit Hill) است. شخصیت‌های حیوانی داستان، پدر و مادر خرگوش و جورجی کوچولوی ورزشکار که خیلی بلند می‌پرد، آشکارا برای کودکان خلق شده‌اند.

در سال ۱۹۴۹، ماگريت هنری (Marguerite Henry)، به خاطر کتاب «امپراتور باد» (King of the Wind) یکی از چند داستان مشهورش که در مورد اسب‌ها بود، جایزه نیوبری گرفت. کتاب «امپراتور باد»، برگرفته از داستان گنجالی دربای (Kentucky Derby)، نویسنده کتاب «مردان جنگ» (Man of War) است. در حالی که دربای، خود از گادولفین آر بیان (Godolphin Arabian) تأثیر گرفته است. یکی دیگر از شاهکارهای لطیف، اثر الیزابت این رایت (Elizabeth Enright)، با نام «هزاران پیراهن» (the Hundred Dresses) (۱۹۴۴) است.

در یک کلام، یک کتاب خاطره‌انگیز یا تعدادی واژه برگزیده، بدون آن‌که موعظه کند، می‌آموزد چگونه کلمات یا عباراتی که حاصل بی‌حوصلگی ظالمانه (نویسنده) است، می‌تواند به طور یکسان به دهنده و گیرنده آسیب برساند.

نیومکزیک فاصله گرفتند.

اما همان‌طور که دیوید راسل منتقد اشاره می‌کند، کلیشه‌های مربوط به این خانواده‌ها، به عنوان بیگانگان بی‌سواد، حتی در این رمان حساس که ماهرانه نوشته شده، جاودانه شده‌اند. در بیش‌تر موارد، سیاه‌پوستان و دیگر گروه‌های اقلیت، به ندرت در کتاب‌های کودکان حضور پیدا کرده‌اند. در کتاب‌هایی هم که نشانی از آن‌ها یافت می‌شد، گرایش مسلط به نفع سفیدپوست‌ها بود و

کردن بود. این داستان‌ها را می‌توان «داستان‌های واقع‌گرای غیرواقعی» نامید که خلاف زندگی واقعی، همه مشکلات در آن‌ها به بهترین شکل ممکن و به صورت تفاهم‌آمیز حل می‌شد.

«روایت زندگی، همان‌طور که هست»، هنوز یک مفهوم بیگانه در حوزه قصه‌های کودکان بود. گونه فرعی ادبیات داستانی واقع‌گرا، استثنایی بود که در قاعده یکسان ادبیات داستانی کودکان آن زمان خودنمایی می‌کرد و لوئیس لِنسکی (Lois Lenski)، به تنهایی آن را آفرید. لِنسکی خالق مجموعه قصه‌هایی است که مردم مناطق سراسر ایالت متحده را به تصویر می‌کشد. هر چند این قصه‌ها اخلاقی است، قصه‌هایی دلسوزانه از مشقت و جان‌کندن مردم است و اغلب خانواده‌های فقیر را به تصویر می‌کشد که با شجاعت، سخت‌کوشی و روابط خانوادگی نزدیک، زیر بار این سختی‌ها زنده می‌مانند.

یکی از این کتاب‌ها با نام «دختر توت‌فرنگی»، در سال ۱۹۴۵ جایزه نیوبری را دریافت کرد. کتاب، داستان خانواده فقیر اما کوشایی را روایت می‌کند که محصولاتی در قسمت روستایی ایالت فلوریدا پرورش می‌دهند. کتاب دیگر با نام «سفر جودی»، شرح گرفتاری‌ها و بدبختی‌های کارگران مهاجر است. همچنین، داستان‌هایی که لِنسکی در مورد آدم‌های حاشیه‌ای و متفاوت نوشته، در میان قصه‌های دیگر که اشخاص سفیدپوست و متوسط جامعه نقش اصلی را در آن‌ها به عهده داشتند، خودی نشان داد.

ژوزف کرامگولد (Joseph Krumgold)، برنده جایزه نیوبری و نومیگول (Now Miguel) (۱۹۵۴)، از جریان رایج در آن روزگار، برای تأکید بر خانواده شبانی اسپانیولی - آمریکایی در

● **طلاق، استفاده از مواد مخدر، مادران مطلقه، روابط جنسی قبل از ازدواج، خودکشی، ترک خانواده، بیماری‌های روحی، عقب‌ماندگی ذهنی، معلولیت جسمی، نژادپرستی، تعصب، سوءاستفاده از کودکان و حتی زنا با محارم، همه این موضوعات وارد ادبیات کودک شدند تا ماندگار شوند. در دهه‌ی ۱۹۶۰ مؤسسات انتشار کتاب، ناگهان از خواب بیدار شدند و نویسندگان و ویراستاران سرانجام دیدند به جای این‌که از کتاب‌های کودکان دل‌بکنند، نسبت به این موضوعات تعلق خاطر پیدا کرده‌اند**



نویسنده‌های سفیدپوست این کتاب‌ها، خواسته و ناخواسته گروه‌های اقلیت را زیر سؤال برده‌اند. در این مورد، به دو نمونه می‌توان اشاره کرد: «مرا چارلی صدا بزن» (Call me Charley)، اثر جسی جکسون (Jesse Jackson) (۱۹۴۵) که داستان پسر بچه‌ی سپاه‌پوستی را روایت می‌کند که برای پذیرش در جامعه سفیدپوست، خودش را به آب و آتش می‌زند و دیگری کتابی است با نام «ماری جین» (Mary Jane)، نوشته استرلینگ (Sterling) (۱۹۵۹) که قهرمان داستان دختر سپاه‌پوستی است که در یک مدرسه سفیدپوستان،

در حالت انزوا قرار گرفته و با خشونت با او رفتار می‌شود. این دو شخصیت داستانی، صبور و بردبار نشان داده شده‌اند و در برابر خرده محبت‌های سفیدپوستان قدر شناسند.

«درست همان‌طور که از تهی‌دستان دوران ملکه ویکتوریا انتظار می‌رفت که به ثروتمندان متکی باشند و احسان و نیکوکاری ثروتمندان را قدر بشناسند، سپاه‌پوستان نیز باید به سفیدپوستان متکی بوده و نسبت به احسان و نیکوکاری آنان، قدر شناس باشند.» (تاسند ۱۹۶۶، ص ۲۵۸)

اما حالا زمان تغییر و تحول بود؛ زمان

آفریقایی - آمریکایی‌ها و نویسندگان و هنرمندانی که صدای اقلیت‌های دیگر را به گوش می‌رساندند. هم‌چنین، زمان فریاد کردن ارزش‌ها و باورهای بود که پیش از این بی‌اهمیت شمرده می‌شدند و نیز زمانی که هر کسی می‌توانست عقایدش را بیان کند و رُک و بی‌پروا حرف خودش را بزند. ما معمولاً شیفته این هستیم که با تعداد معدودی ویژگی، یک دهه را از دهه دیگر جدا سازیم و برای هر کدام از آن‌ها برجسب خاصی ابداع کنیم. به این ترتیب، اگر بتوان برای دهه بیست عبارت «پُرهیا هو و پرخروش» را به کار گرفت، دهه شصت را می‌توان دهه «تغییر و تحول» نامید. پس از دهه شصت، همه چیز در جامعه از جمله مواد خواندنی کودکان، دستخوش تغییر و تحول شد.

سال ۱۹۶۳، تاریخ انتشار کتاب «گربه، مثل این است» (It's Like thin, Cat (neville)) است؛ کتابی که اکنون بی‌خطر به نظر می‌رسد، اما در آن زمان یک اثر بی‌باکانه و حتی انقلابی به حساب می‌آمد. در کتاب ناتور دشت (Catcher in the Rye) نوشته سالینجر که در ۱۹۵۱ چاپ شد نیز مثل اثر برجسته قبلی، قهرمان اصلی داستان که جوان است، نه تنها حرف خود را می‌زند، بلکه این شهامت را دارد که از والدینش و صاحبان قدرت انتقاد کند. من در مدرسه به سال سومی‌های دبیرستان درس می‌دادم و وقتی این کتاب را به کتابدار مدرسه دادم، تعجب کرد و از قرار دادن این کتاب در مجموعه خودداری کرد. با ورود کتاب‌های امیلی نیویل (Emily Neville) که آغازگر موج جدیدی بود، انبوهی کتاب در دهه‌های شصت و هفتاد انتشار یافت که بیانگر اعتراض جوانان به بی‌عدالتی‌ها و ضعف‌های والدین بود. موضوعات اجتماعی و اخلاقی که قبل از این در ادبیات کودک تابو محسوب می‌شدند، به موضوع اصلی این آثار تبدیل شدند.

کتاب "Feisty Harriet thespy" (فیتز

هاگ) (Fitz hugh) در سال ۱۹۶۴ منتشر شد و از بچه‌تنهایی سخن می‌گفت که قربانی غفلت و ثروت والدینش شد. در داستان "Dinky Hocker Shoots Smack" نوشته Kerr در سال ۱۹۷۲، مادر دنیکی هاگر آن‌چنان سرگرم خدمت به غریبه‌هاست که نیازهای دخترش را نادیده می‌گیرد. دونواون (Donovan, ۱۹۶۹) در داستان Drop Dead (Cunningham, ۱۹۶۵) مرد غول‌پیکری را به تصویر می‌کشد که به نحوی بچه‌یتیمی را که به او اعتماد می‌کند، آزار می‌دهد و می‌ترساند. جان و لورین که از پدر و مادرشان جدا شده‌اند، بارها دوست‌شان را فریب می‌دهند. او پیرمرد تنها، غریب و غمگینی است که در

● ادبیات کودک از تغییرات و تحولات اجتماعی حکایت دارد و اگر این تحولات چشمگیر در پنج دهه گذشته نمی‌بود، ادبیات کودک چیزی که اکنون هست، نبود. از دهه چهل تا امروز، شاهد جنگ‌های گوناگون، جنگ سرد، انقلاب‌های سیاسی و جنسی، شهرنشینی، شهرک‌سازی، پیشرفت‌های عظیم در حمل‌ونقل و ارتباطات و فناوری و ورود اینترنت، رایانه و... بوده‌ایم که همه در زندگی ما تأثیرگذار بوده‌اند

واقع، همه این‌ها نشانه‌های توجه نویسندگان به یک جامعه کثرت‌گراست. بالاخره، ما شروع کرده‌ایم که به صدای واقعی مردم آفریقایی - آمریکایی و نیز در سطحی پایین‌تر صدای فرهنگ هم‌پراز آن‌ها که پیش از این در آمریکا شنیده نمی‌شد، گوش فرا دهیم.

در داستان "Roll of Thunder, Hear My Cry" (۱۹۷۷)، میلدرد تیلر (Mildred Taylor)، آفریقایی - آمریکاییان غرورآفرینی را روایت می‌کند که در کناره رود می‌سی‌سی‌پی، بدون احساس تحقیر، با نژادپرستی مقابله می‌کنند. یوشیکو اچیدا (Yoshiko Uchida) چنین احساس تحقیری را که در تاریخ ژاپن موجود است، در چندین کتاب خود به تصویر می‌کشد. این کتاب‌ها عبارتند از: "Journey to Topaz" (۱۹۷۱)، "A Jar of Dreams" (۱۹۸۱) و "Bracelet" (۱۹۹۳).

لورانس یپ (Laurence Yep)، از تجربه چینی‌های مهاجر در آمریکا، در کتاب‌های خوبی چون "Dragon's Gate"، به شکلی مستند سخن می‌گوید و وضعیت کارگران چینی را روایت می‌کند که در سیرا نوادا (Sierra Nevada)، به سال ۱۸۶۷ در احداث خط‌آهن قاره‌ای کار می‌کردند. در این کتاب، خواننده شاهد رفتار نامناسبی است که با چینی‌ها می‌شود.

جامیک های‌واتر (Jamake Highwater) در کتاب "Anpao: An American Indian Odyssey" (۱۹۷۷)، از جانب بومیان آمریکایی سخن می‌گوید و همین‌طور میشل دوریس، نویسنده کتاب "Morning Girl" (۱۹۹۲).

گرچه ادبیات داستانی کودکان به سمت ارائه فرهنگ‌های هم‌پراز ایالت متحده گام برداشته

شرایطی قرار می‌گیرد که منجر به مرگش می‌شود (زیندل، ۱۹۶۸). پسریچه‌ای نگران تصمیم خانواده‌اش است: آن‌ها تصمیم گرفته‌اند کودکی را که از پرورشگاه گرفته و سرپرستی‌اش را پذیرفته‌اند، بازگردانند؛ چرا که او سیاه‌پوست است و آن‌ها سفیدپوستند و فکر می‌کنند دچار مشکلاتی خواهند شد. (Neufeld، ۱۹۶۸).

طلاق، استفاده از مواد مخدر، مادران مطلقه، روابط جنسی قبل از ازدواج، خودکشی، ترک خانواده، بیماری‌های روحی، عقب‌ماندگی ذهنی، معلولیت جسمی، نژادپرستی، تعصب، سوءاستفاده از کودکان و حتی زنا با محارم، همه این موضوعات وارد ادبیات کودک شدند تا ماندگار شوند. در دهه ۱۹۶۰ مؤسسات انتشار کتاب، ناگهان از خواب بیدار شدند و نویسندگان و ویراستاران سرانجام دیدند به جای این‌که از کتاب‌های کودکان دل بکنند، نسبت به این موضوعات تعلق خاطر پیدا کرده‌اند. با ورق زدن صفحات یک کتاب، کودک از جایگاهی مطمئن و امن، با جنبه‌های منفی زندگی مواجه می‌شود:

«در این نوع رئالیسم جدید، خواننده بدون آن‌که آسیبی متوجه‌اش شود، پیامدهای درگیر شدن در مسائل و مشکلات را حس می‌کند. خوانندگان جوان می‌توانند عقاید و ارزش‌هایی را بسنجند که خلاف عقاید و ارزش‌هایی است که نویسنده از آن‌ها پرده برمی‌دارد. خوانندگان جوان با خواندن یک کتاب می‌توانند به تجربه‌ای متفاوت از کلاس درس و ارزش‌های آموزشی دست یابند و با تفکری عمیق و انتقادی، نگرش خود را نسبت به من‌درونی‌شان، دیگران و دنیایی که در آن زندگی می‌کنند، شکل دهند.» (Root، ۱۹۹۷).

مضامینی که در این کتاب‌ها دیده می‌شود و در گذر سال‌ها متحول شده است، حاصل راه یافتن موضوع‌های اجتماعی به این کتاب‌هاست. در

بود و با ورود داستان‌های واقع‌گرا که دیدگاه‌های رک و مستقیم ضدقهرمان را به تصویر می‌کشیدند، تعریف تازه‌ای از «قصه» ارائه شد.

البته قصه، روایت جست‌وجوی فراگیر و ماجراجویانه قهرمان داستان است؛ همان «قصه اصلی تمدن غرب» (Hourihan ۱۹۹۷، ص ۲۳۳). اکثر قصه‌های کودکان، در نقد اثر فانتزی و رئالیسم، از داستان‌های قهرمان‌های حماسی، مثل جیسون (Jason) و هرکول (Hercules) گرفته تا مکس (Max) در داستان "Where the Wild things Are"، نوشته موریس سنداک (۱۹۶۳)، الگوهای خود را به نمایش می‌گذارند. زمینه اولیه قصه، شخصیت اصلی داستان را به نمایش می‌گذارد که معمولاً جنس مذکر است و این قهرمان مبارزه می‌کند، بر دیگری سلطه می‌یابد و پیروز می‌شود و دلیل وجود خود را برپایی عدل و عدالت می‌داند و اعمال و رفتارش در داستان توجیه می‌شود.

مارگری هوریان (Margery Hourihan) (۱۹۹۷)، جدا از استبداد و خودکامگی نهفته در جست‌وجوی قدیمی قهرمان، جنبش و حرکت ویژه‌ای در داستان‌ها می‌بیند و به داستان‌هایی چون "Julie of the Wolves" (جورج ۱۹۷۲)، "Hatchet" (پالسن ۱۹۸۷) و "The Wizard of Earthsea" اشاره می‌کند:

«بدون تأکید دوباره بر دوگانگی سنتی که افکارمان را شکل داده است، می‌توانیم الگوی خطی داستان قهرمانانه را حفظ کنیم. در این قصه‌ها شخصیت‌های اصلی، مردان عمل‌گرا و متعصبی نیستند که به سبب مهارت و شجاعت فوق‌العاده‌شان مورد توجه قرار بگیرند. هم‌چنین، این‌گونه نیست که پایبندی قاطعانه به اهداف‌شان، آن‌ها را در

است، هنوز راه زیادی را باید برای رسیدن به آن طی کند. امروزه اکثر کتاب‌های منتشره چند فرهنگی، به حوزه قصه‌های عامیانه محدود می‌شود.

«آن‌چه بیش از حد به آن نیاز است، قصه‌هایی واقع‌گرا در مورد احساس یک کودک از عضویت در یک فرهنگ اقلیت است.»

این سخن رونالد جوب (Ronald Gobe) کانادایی و رئیس پیشین IBBY است.

«واقع‌گرایی در کتاب‌های تصویری آفریقایی - آمریکایی بیش‌تر دیده می‌شود، اما اکثر آن‌ها تم تاریخی دارند. کودکان به کتاب‌های صریح و بی‌پرده‌ای نیاز دارند که در دسترس تمام فرهنگ‌ها قرار بگیرد.» (وایت ۱۹۹۹، ص ۵۹)

اکثر فرهنگ‌ها هم‌چون فیلیپینی و کره‌ای تا دهه‌ی ۱۹۹۰، اصلاً در کتاب‌های کودکان نمود پیدا نکردند.

فانتزی در دهه ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ شامل بازگویی قصه‌های قدیمی، قصه‌های جدید برگرفته از قصه‌های عامیانه، قصه‌هایی درباره غول‌ها و اشیای بی‌جانی بود که ویژگی‌های انسانی به آن‌ها داده شده بود و نیز قصه‌هایی در مورد آدم کوچولوها. از میان این داستان‌ها، کتابی با نام "The Borrowers"، نوشته نورتون (۱۹۵۳) است که اولین اثر مشهور در این زمینه محسوب می‌شود. با چاپ کتاب «چینی بر زمان» (A Wrinkle in time) اثر مادلین لینگل (Madeleine L'Enfle) در سال ۱۹۶۲ و کتاب "A Wizard of Earthsea"، اثر اورسولا لوگوین (Ursula Le Guin) در سال ۱۹۶۸، تحول شگرفی در ادبیات کودک صورت گرفت. حالا دیگر داستان علمی - تخیلی، گام نخستینش را برداشته

شخصیت‌های داستان‌هایش را از قصه‌های قدیمی می‌گیرد؛ مثل جادوگر در داستان "Rapunzel" و برای توضیح رفتار شخصیت‌ها در مان‌هایی که روان‌شناسی و واقع‌گرایی را با هم درآمیخته و خوانندگان بزرگسال دارد، از خود اشتیاق نشان می‌دهد.

در مورد تحول ادبیات فانتزی، در آثار سوزان کوپر (همان‌طور که یکی از آثارش با نام "The Boggart" (۱۹۹۳) گویای آن است)، کارول اسکات (۱۹۹۷) نشان می‌دهد که او چگونه توانسته است با شوخ‌طبعی «جادوی» فن‌سالارانه مدرن را در این فانتزی جدید بگنجاند. "The Boggart" یک موجود افسانه‌ای مسلکی است که خود را در مانده و مستأصل در آمریکای شمالی می‌بیند و تصمیم می‌گیرد به دیار خود بریتانیا بازگردد و خود را به دیسک کامپیوتری منتقل می‌کند تا به خانه پست شود.

«آثار فانتزی سوزان کوپر از شکسته شدن اولیه محدودیت‌های سنتی موجود در دهه ۱۹۴۰ گرفته تا موقعیت کنونی که نوآوری‌های غافلگیرکننده آن ارتباط بشر و مفهوم جهان را به کلی متحول ساخته، نمایانگر تحول تفکر مدرن امروزی است. همان‌طور که فانتزی از واقعیت حکایت می‌کند، خط و مرز میان زندگی معمولی و دنیای مبهم جادویی، مستلزم تغییر و تحول هم‌زمان در ادبیات فانتزی است.» (اسکات، ۱۹۹۷ ص ۹۶)

کتاب‌هایی چون "Radiance Descending" "Sun and Descending" (فاکس ۱۹۹۷)، "The Spoon" (هنکس ۱۹۹۷)، "The Watcher" (هو ۱۹۹۷) و "Wringer" (اسپینلی ۱۹۹۷)، تغییر الگوها را در آن چه در زمینه روابط خانوادگی و مفاهیم رفتاری «درست» و «غلط»، قابل قبول در نظر گرفته می‌شود، تثبیت می‌کنند. در این موارد،

مسیرشان پیش ببرد تا با حریفانی که آن‌ها را مظهر شرارت می‌دانند، بجنگند و قاطعانه از مهارت و استادی خود دفاع کنند... آن‌ها از شک کردن، ناامیدی و شکست مصون نیستند و در واقع ابرقهرمان به شمار نمی‌روند. آن‌ها مثل ما هستند و می‌توانند قهرمانان زن، غیراروپایی‌ها و بیگانگان دیگر باشند.» (ص ۲۳۳)

ادبیات کودک از تغییرات و تحولات اجتماعی حکایت دارد و اگر این تحولات چشمگیر در پنج دهه گذشته نمی‌بود، ادبیات کودک چیزی که اکنون هست، نبود. از دهه چهل تا امروز، شاهد جنگ‌های گوناگون، جنگ سرد، انقلاب‌های سیاسی و جنسی، شهرنشینی، شهرک‌سازی، پیشرفت‌های عظیم در حمل‌ونقل و ارتباطات و فناوری و ورود اینترنت، رایانه و... بوده‌ایم که همه در زندگی ما تأثیرگذار بوده‌اند. هم‌چنین، علاقه فزاینده‌ای به روان‌شناسی رفتار بشری پیدا شده است و نقش‌های جنسی، دیگر مثل دهه ۱۹۵۰، تعریف شده و مشخص نیست. امروز نهاد خانواده به گونه متفاوتی شکل می‌گیرد و اگر زمانی صاحبان قدرت، احترام را حق مسلم خود می‌دانستند، امروزه باید این احترام را کسب کرد. در ضمن، بررسی الگوهای رفتاری انتزاعی، دیگر علاقه کسی را جلب نمی‌کند. این واقعیت‌ها به یکی - دو طریق به کتاب‌های کودکان راه پیدا کردند.

عناصر فانتزی در بسیاری از کتاب‌های کودک، خصوصاً آن‌هایی که زیلفا کیتلی استیدر (Zilpha Keatly Snyder) و مارلین ساشه (Marilyn Sachs) نوشته‌اند، نه ویژگی جادویی دارند و نه ماورای طبیعی، بلکه حاصل کنش‌های ذهنی شخصیت‌هاست. دونا ناپولی (Donna Napoli) (۱۹۹۶)،

هنگامی که دیدگاه‌های والدین با دیدگاه‌های کودکان در تقابل قرار می‌گیرد، کودکان نظریات والدین‌شان را نمی‌پذیرند. خاطرنشان می‌کنیم که کودکان در این قصه‌ها، لزومی نمی‌بینند که حتماً رفتار محبت‌آمیزی در قبال بزرگ‌ترهایی که سرپرستی‌شان را برعهده دارند، نشان دهند. این کودکان، انسان‌های فوق‌العاده مستقل و پخته‌ای هستند که برای حل مشکلات‌شان، تنها به وجود خودشان تکیه می‌کنند. البته آن‌ها بیش‌تر نسبت به بزرگسالانی که آن‌ها را طرد و ناامید کرده‌اند، با احساس تأسف نگاه می‌کنند تا خشم.

خوانندگان جوان از طریق نثر خوب، معیارهای خلق کتاب‌های اطلاع‌رسانی خوب در هر دهه‌ای است. فهرست اسامی نویسندگان برجسته در زمینه کتاب‌های غیرداستانی در دهه ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰، از این‌ها قرار است: "Irving Adler", "Glen Blough", "James Daugherty", "Holling C. Holling", "Patricia Lauber", "Millicent Selsam", "Katherin Shippen", "Herbert Zim". آن‌ها مفاهیم علمی و پژوهش‌های اجتماعی را برای خوانندگان جوان،

کتاب‌های تصویری:

قصه‌ها، مفاهیم، اطلاعات

کتاب «کودکان و کتاب‌ها» (ساترلند ۱۹۹۷)، به چاپ نهم رسیده است. قرار دادن نسخه سال ۱۹۹۷ این کتاب مقدس، در کنار نسخه اول سال ۱۹۵۷ (Arbuthnot)، ما را با این واقعیت آشنا می‌کند که پیشرفت‌های موجود در صنعت نشر، دوران طلایی کتاب‌های به ظاهر جذاب را نوید می‌دهد. نسخه سال ۱۹۹۷ دارای صفحات تمام رنگی است، اما در نسخه سال ۱۹۵۷، تصاویر مثل بسیاری از کتاب‌های تصویری آن دوران، به رنگ سیاه و سفید است. تصاویر رنگی، همین‌طور نقشه‌ها، گراف‌ها و نمودارهای ابتکاری که از عناصر خاص و ویژه کتاب‌های اطلاع‌رسانی است، هم خواننده را جذب می‌کند و هم مفاهیم پیچیده را به وضوح بیان می‌دارد.

البته رنگ به تنهایی نمی‌تواند نشانه کاربردی بودن کتاب‌های اطلاع‌رسانی باشد. پژوهش فراگیر، مهارت در انتخاب نکته‌های اصلی و به کار بردن آن‌ها در مقدمه و نیز توانایی علاقه‌مند کردن

● آینده کتابخوانی کودکان، به

این بستگی دارد که برای

خوانندگان همه ژانرها کتاب

تولید کنیم، اما هنوز به این

هدف نرسیده‌ایم. «وقتی نوبت

به ادبیات چندفرهنگی می‌رسد،

کتاب در این زمینه کم چاپ

می‌شود»

به زبان ساده (نه ساده‌انگارانه) بیان می‌کردند. امروزه بازار این‌گونه کتاب‌ها خیلی داغ است. بهترین این کتاب‌ها، در فهرست‌های سالانه ناشران مهم دیده می‌شود. نویسندگان باتجربه و حرفه‌ای، خودشان در مورد این کتاب‌ها پژوهش و آن‌ها را طراحی می‌کنند. جنبش و حرکت گسترده برای آموزش علوم و پژوهش‌های اجتماعی از طریق ادبیات، بی‌شک موجب غنای کتاب‌های اطلاع‌رسانی شده است. این کتاب‌های اطلاع‌رسانی ابتکاری، برنامه‌های درسی را به

شکلی غیرمعمول ارائه می‌کند که به اندازه یک قصه‌ی خیالی جذاب و گیراست و بسیاری از کودکان، آن‌ها را بر ادبیات داستانی ترجیح می‌دهند. از نمونه‌های ادبی که جایگزین کتاب‌های درسی و یا به آن‌ها ضمیمه می‌شوند، می‌توان آثار سیمور سیمون (Seymour Simon)، نویسنده بیش از یک‌صد و پنجاه کتاب علمی برای کودکان را نام برد. کتاب «ماهیچه‌ها: سیستم ماهیچه‌ای بدن» (Muscles: our Muscular System) یکی از مجموعه کتاب‌های تصویری او در مورد بدن آدمی است (۱۹۹۸). به خوبی واضح است که سیمون در کنار متن مختصر و مفید، مثل بسیاری از نویسندگان امروزی، حداکثر استفاده را از آخرین فناوری موجود کرده تا تصاویری خلق کند که مطلب نوشتاری کتاب را کامل سازد و به آن شفافیت ببخشد. او در شرح عکسی از کتاب «ماهیچه‌ها»، این‌گونه می‌گوید:

«دانشمندان از دستگاه‌های جدید و فوق‌العاده‌ای استفاده می‌کنند که با آن‌ها می‌توان درون بدن آدمی را به دقت نگاه کرد و از اندام‌های غیرقابل رؤیت عکس گرفت و به پزشکان کمک کرد تا جان بیماران را نجات دهند. در این کتاب، با دیدگاه‌های فوق‌العاده‌ای درباره اندام‌های داخلی بدن انسان آشنا می‌شویم.» (فرانت کتر)

دیان استنلی (Diane Stanley)، نویسنده و هنرمند با استعداد، در سال ۱۹۹۷، جایزه اربیس پیکتس انگلیسی‌شورای ملی معلمان (National Council of Teachers of English Orbis Pictus Award) را برای یکی از آثار غیرداستانی‌اش که سرگذشت‌نویسی تصویری از لئوناردو داوینچی بود، دریافت کرد. او در کتاب "Joan of Arc" (۱۹۹۸)، بار دیگر توانایی‌اش را به نمایش گذاشت و با پژوهش دقیقی، به

شخصیت‌های تاریخی جان بخشید. روش این هنرمند، طوری است که حداکثر استفاده را از داستان‌سرایی و تصاویر باشکوه می‌برد. دیگر نویسندگان حرفه‌ای در زمینه تاریخ و شرح‌حال‌نویسی، راسل فریدمن، میلتون ملتزر و جیم مورفی‌اند. آثار این نویسندگان، مبتنی بر پژوهش دقیق در اسناد و متونی است که مبنای نگارش‌شان قرار می‌گیرد. هم‌چنین توانایی آنان در داستان‌سرایی، چشمگیر و خارق‌العاده است.

کتاب «میهن پرست جوان: انقلاب آمریکا از دید یک پسر بچه» (۱۹۹۶)، نوشته مورفی نمونه بارز آن است. ما روایت داستانی را از نگاه یک پسر بچه پانزده ساله، به نام ژوزف پلامپ‌مارتین می‌شنویم. جای هیچ شک‌شکی نیست که کودکان، نه تنها داستان «میهن پرست جوان» را به کتاب درسی قدیمی ترجیح می‌دهند، بلکه از این نمود خاطره‌انگیز از تاریخ، بیش از حقایق صرف، مطلب فرا می‌گیرند. پیشرفت‌هایی که در تولید کتاب صورت گرفته، باعث به وجود آمدن کتاب‌های پاپ‌آپ (تصاویر در این کتاب‌ها، برجسته‌اند و کودک می‌تواند آن‌ها را به حرکت درآورد. Pop-up books = Lift-the Flap books) و کتاب‌های «باز کن و نگاه کن» شده است. این‌گونه کتاب‌ها از قالب کتاب درآمده و نقش اسباب‌بازی را بازی می‌کنند. فانیسی ویلارد (۱۹۹۵)، شعری می‌سراید که با تصاویر پاپ‌آپ هماهنگی دارد و از این تصاویر در شعرش استفاده کرده است تا چگونگی جریان کارها در روزنامه «گوتنبرگ» را به وضوح برای خواننده بیان دارد. این‌جاست که با گونه جدید مواجه هستیم و ارزش دارد نام کتاب روی آن بگذاریم. با توجه به اِسْهام‌های موجود در میان گونه‌هایی که

پست‌مدرن به آن‌ها تمایل دارد، شگفت‌انگیز نیست اگر تعداد قابل توجهی کتاب تصویری بیابیم که با یک گونه منفرد هماهنگی ندارد. کتاب "Heartland" (۱۹۸۹)، اثر دیان اسپیرت (Diane Siebert) یک نمونه آن است. یک متن شعرگونه به همراه نقاشی‌های وندل ماینر (Wendell Minor)، ماهیت ناحیه مرکزی آمریکا را آشکار می‌سازد؛ گرچه این حقایق به تدریج و از کلمات و تصاویر کتاب به دست می‌آید. "Call me Ahnighito" (۱۹۹۵ Conrad)، داستان کشف شهاب‌سنگ معروفی توسط رابرت ای پیری (Robert E. Peary) است که اکنون در موزه تاریخ طبیعی آمریکا نگاهداری می‌شود و نحوه انتقال آن را که با مشکل روبه‌رو بوده، حکایت می‌کند. ریچارد اِگلسکی (Richard Egielsku)، برای این داستان شرح حال‌گونه که این‌گونه آغاز می‌شود، نقاشی کشیده است: «آن‌ها مرا آئیگیتو می‌نامند و می‌گویند از ستاره به وجود آمده‌ام من روز تولدم را به خاطر ندارم.»

لورانس پـرینگل، در اثر خود با نام: "An Extraordinary Life: The Story of a Monarch Butterfly" (۱۹۹۷)، با دقت بسیار به پژوهش پرداخته و از لحاظ عملی هم بسیار دقیق عمل کرده است. با وجود این، روی این گزارش مبتنی بر واقعیت، نام خود و روی یکی از پروانه‌ها که از ماساچوست تا مکزیکو آن را دنبال می‌کند، نام انسان می‌گذارد. لوئیس الورت (Lois Ehlert)، در کتاب‌های تصویری، فرهنگ اصلاحات تصویری و شرح و توصیف واقع‌گرایانه و مفاهیمی که در متن معرفی می‌شود که هم به صورت نثر است و هم نظم، از آثار هنری استفاده می‌کند. "Out of the Dust" (هس ۱۹۹۸)، یک

داستان تاریخی و مجموعه‌ای از خاطرات است که به صورت شعر درآمده.

ناشران سالانه کتاب‌های تصویری بی‌شماری را به بازار عرضه می‌کنند، ما در بازار داغ بازنویسی داستان‌های پریان و عامیانه غوطه‌وریم. متن این کتاب‌ها زیاد جالب نیست، اما تصاویرشان خوشایند است. در میان این آثار، کتاب‌هایی دیده می‌شود که به علل سیاسی، دست‌کاری و تحریف شده‌اند. پس از آن، متن‌های تجربی کریس راسکا (Chris Raschka) قرار می‌گیرد. کتاب ابتکاری او با نام "Thelonius Monk" (۱۹۹۷)، به معنای آواز خواندن است که ملودی‌ها در آن، با رنگ‌ها رمزگذاری شده‌اند. البته کتاب جدیدی که از هنرمندان قدیمی چاپ می‌شود، خاطره‌انگیز نیست؛ مثل کتاب‌هایی از نویسندگان مشهور چون ویلیام استیگ (William Steig) و کتاب "Arlene Sardime" اثر راسکا (۱۹۹۸). کتاب‌هایی چون "Juice the pig" (اُبرن ۱۹۹۸)، "Bow-Wow Birthday" (واردلاو ۱۹۹۸) و "Good Knight" (ایسمیل ۱۹۹۸)، با کاغذ بازیافتی چاپ شده‌اند.

آینده و ادبیات کودک

در داستان کوتاهی از ایزاک آسیمواف (۱۹۶۸)، دو کودک در سال ۲۱۵۵ که پیش از آن کتابی ندیده‌اند، کتابی قدیمی را در یک اتاق زیر شیروانی پیدا می‌کنند. تامی می‌گوید:

«چه به درد نخور! فکر می‌کنم وقتی می‌خواهی از شر کتابی خلاص شوی، آن را دور می‌اندازی. صفحه تلویزیون ما باید یک میلیون کتاب داشته باشد و این خیلی خوب است، هر چه بیش‌تر بهتر. با این حال، من کتاب‌ها را دور نمی‌اندازم.»

بچه‌ها برای‌شان عجیب است کتابی بخوانند که کلمات آن در حال حرکت نیستند و «کلمات به شکلی که روی صفحه تلویزیون ظاهر می‌شوند، نیست.» آیا ما به این مرحله می‌رسیم؟ آیا سرانجام کتاب‌ها الکترونیکی خواهند شد؟ مطمئناً این انقلاب به یک‌باره و ناگهانی اتفاق نمی‌افتد. هم اکنون نیز از متون الکترونیکی استفاده می‌شود و پیشرفت در این زمینه را می‌توان انتظار داشت. یکی از جنبه‌های جالب متن‌های الکترونیکی، دوسویگی و تعاملی‌شان است.

اندیشه ارتباط با یک متن و تغییر آن، با نظریه ادبی که خواننده را بر متن در اولویت قرار می‌دهد، به خوبی سازگار است. طبق نظریه واکنش خواننده، خواندن با متن در ارتباط است و تعبیر و تفسیر متن، در چارچوب تجربه‌های شخصی فردی روی می‌دهد. هر متنی به خودی خود معنایی ندارد، بلکه همان‌گونه که نظریه پردازان واکنش خواننده اصرار می‌ورزند، این خواننده است که به متن معنا می‌دهد. ادبیات الکترونیکی، این نظریه را به واقعیت تبدیل می‌کند. وقتی کودکان قصه‌های را روی صفحه ماینیتور رایانه خود می‌خوانند، آن را با یکسری فعالیت ترکیب می‌کنند. ممکن است از آن‌ها خواسته شود که اتفاق بعدی در داستان را پیش‌بینی کنند و یا از آن‌ها دعوت شود که از میان انواع پایان‌های محتمل، پایان داستان را برگزینند. این ایده که خواننده هر متنی را از نو خلق می‌کند، از طریق ترکیب افکار مشترک نویسندگان و خواننده، اهمیت دوچندان می‌یابد.

به سادگی می‌توان پیش‌بینی کرد که فناوری روی تولید و مصرف کتاب‌های کودکان تأثیر می‌گذارد. به خوبی دیده‌ایم که چگونه

پیشرفت‌های امروزی در زمینه تولید کتاب، این امکان را فراهم ساخته است که بسیاری از کتاب‌های جدید، از زیبایی چشمگیر و جلوه‌های ویژه برخوردار شوند. افراد می‌توانند کتابی را به صورت «آن لاین» بخوانند، اما رایانه‌ها هنوز قابل حمل نیستند. در حالی که ضبط صوت و «سی دی پلیر» قابل حمل است. کتاب‌های شنیداری این امکان را فراهم می‌سازد که فرد در حالی که دوچرخه‌سواری می‌کند و مشغول انجام کارهای روزمره است، به قصه گوش فرا دهد... شرکت وستون وُدر «کانکتیکات»، در تولید کتاب و نوارهای ویدیویی شنیداری، از روی کتاب‌های تصویری، سابقه طولانی داشته و در تولید این کتاب‌ها موفق عمل کرده است.

خصیصه‌های پست‌مدرنیسم، همه جا در جامعه دیده می‌شود که شامل تمایلات و گرایش‌های نوآوران‌ه و جنبش به دور از مطلق‌گرایی، در رفتار و اخلاقیات است. چیزی که شرم‌آور محسوب می‌شود، آرمان‌گرایی است. هم‌چنین، نادیده گرفتن و مسخره کردن «گرایش و سلیقه خوب»، نوعی تفریح و بازی است. در واقع این اندیشه که «سلیقه خوب» وجود دارد، زیر سؤال می‌رود. در یک فیلم جدید، با نام "Lake Placid" پیرزنی با گفتن «کلمات زشت و رکیک»، بی‌جهت موجب خنده تماشاگران می‌شود. در قسمتی از یک کارتون تلویزیونی با نام "South Park" مدفوع آدمی نقش بازی می‌کند.

شادی کودکان از بی‌حرمتی کنایه‌آمیز «بارت سیمسون»، در مجموعه تلویزیونی خانواده سیمسون و فعالیت‌ها و مشاهدات کودکان که اثری از پاکی و سادگی در آن دیده نمی‌شود، در مجموعه "South park" و لذت آن‌ها از گوشه و کنایه‌ها و

به بهترین نحو به آن‌ها معرفی شود. خیره شدن به عطف کتاب‌ها در کتابخانه‌ها، از آن‌ها افرادی کتاب‌خوان نمی‌سازد.

آنان باید از هم‌کلاسی‌های‌شان، کتابداران، معلمان و والدین‌شان نام کتاب‌های خوب را بشنوند. در یکی از کلاس‌هایم، یک دانش‌جوی معلم داشتم که با کودکان ششم کار می‌کرد که علاقه‌ای به کتابخوانی نداشتند. وقتی یک نظرسنجی در مورد علایق و گرایش‌های آن‌ها انجام داد، متوجه شد که باید فهرستی از رمان‌ها تهیه کند و در بحث‌های کلاسی، بخش‌هایی از آن‌ها را با صدای بلند برای بچه‌ها بخواند. نتایج تلاش‌های پیگیرش، خود او را شگفت‌زده کرد.

کودکان مخالف کتابخوانی نبودند و پیش از آن‌که او آن‌ها را مستقاعد کند، نمی‌دانستند کتاب‌های خوبی هست که آن‌ها بخوانند.

آینده کتابخوانی کودکان، به این بستگی دارد که برای خوانندگان همه ژانرها کتاب تولید کنیم، اما هنوز به این هدف نرسیده‌ایم. «وقتی نوبت به ادبیات چندفرهنگی می‌رسد، کتاب در این زمینه کم چاپ می‌شود.» این جمله و چند جمله زیر، به نقل از آقای فلیپ لی، ناشر ادبیات کودک چندفرهنگی است (اسلوان، ۱۹۹۹):

«وقتی جمعیت‌نگاری نشان می‌دهد که گوناگونی در جمعیت‌ها بیش‌تر شده است، صنعت نشر هم باید با این تحول پیش برود، اما متأسفانه در پاسخگویی به این تغییر و تحول، کند عمل می‌کند... علاوه بر آن، در میان پرسنل حوزه نشر کتاب، گوناگونی زیادی دیده نمی‌شود. تا آن‌جا که می‌دانم، تنها چهار ویراستار آمریکایی - آسیایی، کم‌تر از ده ویراستار آمریکایی - آفریقایی در میان ناشران معتبر و اصلی وجود دارد. ویراستار اسپانیولی زبان هم که اصلاً وجود ندارد.» (ص ۳۲)

کلمات زشتی که به صراحت در برنامه تلویزیونی "Beavis and Butt-head" به کار می‌رود، نشان می‌دهد کودکانی که با چنین خوراکی تغذیه می‌شوند، بعید است بتوانند ادبیات احساساتی و اخلاقی را تحمل کنند. جری گریس‌ولد (۱۹۹۷) به این نکته اشاره دارد که فیلم "Hook"، به کارگردانی استیون اسپیلبرگ که از دید تماشاگران قابل قبول بوده، باید فراتر از نسخه اصلی قصه جیمز باری می‌رفت: «آن‌چه باید به فیلم اسپیلبرگ اضافه کرد، پوشش نقیضه‌پردازانه، زبان بازی و بذله‌گویی رابین ویلیامز است.» (ص ۴۰) این نشان می‌دهد کودکان و نوجوانانی که روزبه‌روز باریک‌بین‌تر و کنایه‌گوتر می‌شوند، احتمالاً در آینده از ادبیاتی که سادگی و روانی و آراستگی در آن دیده نمی‌شود، روی برگردانند.

اما این بعید است؛ چون بچه‌ها همیشه از متونی که موجب انزجار و تنفر والدین و بزرگسالان می‌گردد، لذت می‌برند. سال‌ها پیش، والدینم نگران بودند که با خواندن مداوم کتاب‌های کمدی، سواد ادبی و اخلاقی من به خطر بیفتد و از نظر اخلاقیات و ادبیات، به رشد و بلوغ فکری نرسیم. آن‌ها اگر می‌دانستند که من و دوستم کتاب‌هایی می‌خوانیم که حتی بزرگسالان آن‌ها را از زندگی خود بیرون می‌رانند، بیش‌تر نگران می‌شدند. با این حال، جان سالم به در بردیم. علاوه بر این، برای ایجاد علاقه به کتابخوانی، فرد بایستی تمام ژانرها و هر نوع کتابی را بخواند و تجربه کند؛ از بدترین و بیش افتاده‌ترین کتاب گرفته تا بهترین آن‌ها. کودکان ذاتاً عاشق داستان هستند و از کتاب‌های جذاب و گیرا در زمینه اطلاع‌رسانی لذت می‌برند. اگر از آن‌ها می‌خواهیم در این هزاره جدید کتاب بخوانند، باید توقع داشته باشیم که کتاب‌ها

امید می‌رود که در آینده، این بی‌عدالتی‌ها جبران شود. ادبیات کودک، فشارسنج جامعه است. نادیده گرفتن برخی گروه‌های نژادی در کتاب‌های کودکان، نمایانگر نادیده گرفتن آن‌ها در حوزه‌های دیگر جدای از حوزه نشر است. اکنون نوعی گرایش پست‌مدرنیستی به از بین بردن آداب و رسوم و زیر سؤال بردن آن‌چه قبلاً بدان اهمیت داده می‌شد، وجود دارد... برخی از منتقدان بر این باورند که فاصله میان ادبیات کودکان و بزرگسالان کم‌تر شده است:

«در بازخوانی پست‌مدرنیسم از مکاتب داداییسم و سوررئالیسم موجود در ادبیات کودک، همان زیر سؤال بردن سلسه مراتب سمبولیک و اجتماعی و ساختارهای قدرت، همان فروپاشی و تجزیه، همان برداشت از خود و همان زبان استعاری که مشخصه ادبیات بزرگسال است، باز نمود پیدا کرده است.» (مت کاف ۱۹۹۷، ص ۵۴)

احتمالاً این مسئله حقیقت دارد. با وجود این، کتاب «هری پاتر و سنگ جادو» (رولینگ ۱۹۹۷) و جلد‌های بعدی آن، اکنون در فهرست پر فروش‌ترین کتاب‌های «نیویورک تایمز» قرار گرفته است. در حالی که پیش از این فقط نام کتاب‌های بزرگسالان در این مجله دیده می‌شد. بدون تردید، ادبیات کودک در واکنش به تحولات سریع در ابعاد جامعه جهانی، گسترده‌تر شده است. هم‌چنان که خود کودکان، تحت تأثیر تلویزیون و دیگر رسانه‌های دیگر خبری، با آگاهی والدین‌شان، در دنیایی به دور از دنیای ایده‌آل که به هیچ‌وجه ساده و معصومانه نیست، زندگی می‌کنند. راستگویی و پختگی بایستی ویژگی ادبیات کودک آینده باشد؛ زیرا کودکان چنین می‌خواهند.